

بررسی نقش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس بر امنیت ملی ایران

فتحاله نوروزی زاده^۱مهناز گودرزی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۹۹

بررسی نقش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی ...

چکیده

یکی از راههایی که ایران می‌تواند ضریب امنیت ملی خود را افزایش دهد، توجه به سیاست خارجی مبتنی بر ترانزیت و امنیت انرژی است. در قلمروهای ژئواکونومی جدید، ایران دارای نقش حیاتی در منطقه خاورمیانه به طور اعم و خلیج فارس به طور اخص است. از این رو پژوهش حاضر بر اساس نظریه مکتب کپنهاگ (مجموعه امنیت منطقه‌ای)، بدنبال پاسخ به این سؤال بود که نسبت تأثیرگذاری ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی خلیج فارس بر امنیت ملی ایران چگونه است؟. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ با توجه به موقعیت ایران در بین سه کانون مصرف کننده انرژی؛ اتحادیه اروپا، شبه قاره هند و چین، اتصال کریدور انرژی خلیج فارس به حوزه‌های مصرف، باعث پیوند امنیت انرژی و در نگاهی عمیق‌تر، منافع و امنیت ملی این گروه‌ها به امنیت و منافع ملی ایران خواهد شد. به طوری که نسبت به تهدید منافع و امنیت ملی ایران نیز حساس‌تر شوند. از بُعد ژئواکونومیک نیز می‌تواند باعث خلق شرکای اقتصادی، توسعه اقتصادی و بدنبال آن افزایش ضریب امنیت ملی ایران گردد. روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و یافته‌های پژوهش به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، خلیج فارس، امنیت ملی، امنیت انرژی، نفت و گاز.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
Fnoruzi95@yahoo.com

۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).
m.goodarzi@khuif.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱- کلیات

۱-۱. بیان مسأله

تحولات پرشتاب عصر کنونی و ورود متغیرهای متعدد در صحنه امنیتی جهان، مسئولان تصمیم‌گیر کشورهای مختلف را وادار نموده تا از الگوهای سنتی خود در اداره امور امنیتی کشور فاصله بگیرند و با در نظر گرفتن مجموعه تغییرات محیطی، راهبرد منسجمی را برای حفظ امنیت ملی اتخاذ نمایند. از آنجایی که مؤلفه‌های قدرت و امنیت از شکل سنتی خارج شده و با شاخص‌های دیگری سنجیده می‌شوند، طبیعتاً جهت دستیابی به قدرت فقط توجه به ژئوپلیتیک کشور نمی‌تواند راه‌گشا باشد، بلکه جایگاه ژئواکونومی نیز باید مد نظر قرار گیرد. در همین راستا، کشور ایران نیز جهت دستیابی به سطح مناسبی از امنیت ملی، نیازمند شناخت دقیق مقدورات و محدودیتهای ژئوپلیتیک و به کارگیری صحیح و هدفمند آنها می‌باشد. ایران و منطقه زیر سطح آن خلیج فارس، از بُعد ژئوپلیتیک، گذرگاه شرق به غرب و محل ارتباط ژرفای ژئوپلیتیک شمالی (منطقه هارتلند^۱) و ژرفای جنوبی (منطقه ریملند^۲) بوده و در قلمروهای جدید ژئواکونومیک نیز در «مرکز بیضی استراتژی انرژی» قرار گرفته که در میان سه حوزه مهم مصرف کننده انرژی یعنی اروپا، چین و هند واقع شده است. لذا گره‌خوردگی امنیت انرژی منطقه و جهان به ایران، همه ضرورت‌ها را برای بررسی هرچه صحیح‌تر این جایگاه مهم فراهم می‌سازد. اما علی‌رغم برخورداری از این موقعیت ممتاز، دولتمردان ایران در ادوار گذشته نتوانسته‌اند از این ویژگی منحصر به فرد به صورت بهینه در راستای منافع و امنیت ملی بهره‌برداری لازم نمایند. بنابراین در این راستا، پژوهش پیش‌روی بدنبال پاسخ به این سؤال است که؛ جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس چگونه می‌تواند در ارتقاء سطح امنیت ملی ایران مؤثر باشد؟ پاسخ به این سؤال از دریچه‌ی مکتب کپنهاگ^۳ (مجموعه امنیت منطقه‌ای) قابل بررسی است. در صورتی که ایران در حوزه راهبردی خلیج فارس محل تأمین و ترانزیت انرژی کانون‌های مهم مصرف کننده انرژی باشد، با توجه به اینکه، امنیت انرژی، منافع اقتصادی و امنیت ملی این کشورها با امنیت و منافع ملی ایران پیوند می‌خورد، این کشورها نسبت به تهدید منافع و امنیت ملی ایران حساسیت بیشتری نشان خواهند داد. چرا که امنیت انرژی باعث تعامل بیشتر و خلق منافع و آسیب پذیری مشترک شده و همین امر می‌تواند زمینه استقرار همبستگی متقابل را برای تأمین دو جانبه امنیت انرژی فراهم کند. از سوی دیگر راهبرد اقتصادی محور به امنیت ملی



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعه ترانست العالم الاسلامی

۱۰۰

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

1. Herth Land
2. Rimland
3. Copenhagen School

با رویکرد تعاملی از منظر ژئواکونومیک انرژی، می‌تواند به نحو مؤثری باعث ایجاد شرکای اقتصادی و افزایش ثروت و قدرت ملی و بدنبال آن افزایش سطح ضریب امنیت ملی گردد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی و رابطه‌ی آن با امنیت ملی ایران انجام شده است که برخی از نزدیک‌ترین آنها به لحاظ موضوعی به تحقیق حاضر، موارد ذیر هستند. ویسی (۱۳۹۸)؛ معتقد است که در دهه‌های اخیر اعمال رویکرد ژئوپلیتیک ایدئولوژی از سوی دو کشور ایران و عربستان در منطقه خلیج فارس باعث افزایش تنش و جنگ‌های نیابتی شده است، اما اتخاذ گفتمان ژئواکونومیک حول محور انرژی می‌تواند زمینه را برای توسعه و ارتقاء امنیت فراهم نماید. در پژوهش افصلی و همکاران (۱۳۹۷)؛ شاخص موقعیت ژئوانرژی ایران خصوصاً در حوزه‌ی خلیج فارس را به عنوان یکی از شاخص‌های اثر گذار در قدرت ملی و فرایندسازی امنیت ملی ایران معرفی می‌نمایند. فتحی و همکاران (۱۳۹۵)؛ در پژوهشی، معتقدند که خطوط انتقال انرژی از جمله خط لوله نکا- جاسک، علاوه بر فواید اقتصادی و افزایش وزن منطقه‌ای، پیوند خوردن امنیت خطوط لوله با امنیت ملی ایران، افزایش ضریب امنیت ملی را نیز در پی خواهد داشت. نصیرپور (۲۰۱۹)؛ نیز معتقد است که روابط بین ایران و هند در برخی از حوزه‌ها از جمله تجهیز چابهار، کریدور شمال- جنوب و مهمتر از همه ترانزیت و امنیت انرژی مکمل یکدیگر و از مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روابط دو کشور هستند که می‌تواند در ارتقای سطح روابط اقتصادی و امنیتی دوجانبه مؤثر واقع گردد. به اعتقاد گاماوا (۲۰۱۷)، در سالهای اخیر ترانزیت انرژی با چالش تنش بین ایران و عربستان روبرو بوده که تدابیر شدید امنیتی را در منطقه خلیج [فارس] ایجاد نموده است. اما در صورت همکاری دو کشور در حوزه اقتصادی و انرژی، ضمن ایجاد زمینه تنش‌زدایی منطقه‌ای، بر توسعه و امنیت ملی طرفین نیز مؤثر خواهد بود. دایر و ترومبتا (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی تحت عنوان «امنیت انرژی»، معتقدند حصول امنیت انرژی هم برای تولید کنندگان و هم مصرف کنندگان نیازمند تغییر جهت از منطق حاصل جمع صفر به معنی «امنیت من امنیت تو است» به سوی رویکرد همکاری به معنی «امنیت یکی به امنیت دیگران بستگی دارد» است.

آنچه پژوهش پیش‌رو را با پژوهشهای صورت گرفته متفاوت می‌سازد این است که متون موجود عمدتاً به امنیت انرژی و نیز ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و رابطه آن با حوزه‌های اقتصادی و سیاست خارجی پرداخته‌اند و از عامل ترانزیت انرژی خلیج فارس و رابطه آن با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، کمتر سخن به میان آمده که نوآوری پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.



۳-۱. هدف پژوهش

تحلیل جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت نفت و گاز خلیج فارس به حوزه‌های مصرف کننده انرژی از جمله شبه قاره هند، چین و اتحادیه اروپا و رابطه آن با ضریب سطح امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

۴-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر، از لحاظ اینکه به بررسی وضع موجود می‌پردازد در قلمرو تحقیقات توصیفی قرار داشته و از نظر نوع تحقیق از روش‌های «توصیفی - تحلیلی» استفاده شده و با بهره‌گیری از رویکرد «مکتب کپنهاگ» تأثیر و اهمیت ترانزیت انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس بر ارتقاء سطح امنیت ملی ایران را بررسی می‌کند.

۵-۱. کاربرد پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به اینکه به منابع انرژی و حوزه سیاست خارجی پرداخته و در این بین راه‌کارهایی نیز ارائه داده است، جهت پیش برد منافع و ارتقاء امنیت ملی می‌تواند در بخش‌های مرتبط مانند وزارت خارجه و نفت مورد مذاقه و توجه قرار گیرد. همچنین کاربرد دیگر این پژوهش، تلاش در راستای تولید ادبیات غنی در این حوزه با توجه به اینکه سرنوشت آینده ایران به منابع انرژی و ژئواکونومیک آن پیوند خورده است.

۶-۱. تبیین مفاهیم مرتبط با موضوع

- ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک بیانگر تأثیر قطعی جغرافیا بر امور تاریخی - سیاسی است. «سائل کوهن»^۱ معتقد است، «ژئوپلیتیک مطالعه کاربردی روابط جغرافیایی میان فضا و سیاست است». اما از دید «نیکولاس اسپایکمن»^۲، ژئوپلیتیک، طرح‌ریزی امنیت سیاسی کشور بر اساس عوامل جغرافیایی است (قنبری، ۱۳۹۷: ۲۲).

- ژئواکونومیک: با پایان یافتن جنگ سرد و تغییر جهت مفهوم قدرت در جغرافیای سیاسی از سیاست به اقتصاد واژه «ژئواکونومی»^۳ بر نهاده شد. از ویژگی‌های عصر ژئواکونومی، اهمیت اقتصاد در عرصه جهانی و تشکیل گروه‌بندی‌های منطقه‌ای بر بنیاد اقتصاد است (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۵۳).

1. Suel Cohen
2. Nicholas Spykman
3. Geoeconomi



-ژئوپلیتیک انرژی: به مطالعه نقش انرژی بر سیاست، قدرت و روابط دولت‌ها و ملت‌ها می‌پردازد. بنابراین مسأله دسترسی به منابع و همچنین انتقال انرژی از مکان‌های برخوردار به فضاها نیازمند انرژی و نیز کنترل منابع و تکنولوژی تولید، مصرف، فرآوری و مسیرهای انتقال انرژی برای حفظ سیادت مکانی و یا جغرافیایی است. همین مسأله انرژی را به موضوع ژئوپلیتیک مهمی تبدیل نموده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۳).

- امنیت انرژی: «امنیت انرژی^۱» به معنای دسترسی بودن کافی انرژی برای تداوم حرکت اقتصادی، رفع نیازهای خانگی و حمل و نقل به قیمت مناسب و به نسبت ثابت است. «دانیل یرگین^۲» معتقد است که مفهوم امنیت انرژی برای کشورهای مصرف‌کننده به معنی دسترسی به عرضه کافی با قیمت مناسب و برای صادرکننده به معنای امنیت تقاضا جهت حفظ درآمدهای پایدار نفتی دولت است (ساعی و پاشنگ، ۱۳۹۵: ۲۳۹).

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. جایگاه امنیت از منظر مکتب کپنهاگ

از بُعد نظری جهت بررسی مفروضات، فرایندها و تجزیه، تحلیل و ارزیابی موضوع، از دیدگاه‌های مرتبط با موضوع امنیت ملی و امنیت انرژی، می‌توان به «مکتب کپنهاگ» (مجموعه امنیت منطقه‌ای^۳)، اشاره نمود که چارچوبی برای تحقیق قائل شد. متناظر با رویکردهای نظری، گروهی از نظریه پردازان «مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ^۴» از جمله «باری بوزان^۵»، «اوله ویور^۶» و «جاپ دویلد^۷» در اثر خود؛ «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت» که بیانگر مبنایی جدید از تحلیل مطالعات امنیت است؛ دیدگاه سنتی به امنیت که صرفاً به حوزه نظامی تأکید دارد به چالش کشیده می‌شود به طوری که بررسی مبحث امنیت به گستره‌ی وسیعی از مسائل از جمله نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بسط پیدا می‌کند. در این بین بوزان مدعی است که یکی از ویژگی‌های مهم دهه‌های ۹۰ و ۱۹۸۰ ظهور تدریجی

1. Energy Security
2. Daniel Yergin
3. Regional Security Complex Theory
4. Copenhagen Peace Research Institute
5. Barry Buzan
6. Ole Waever
7. Jaap Dewild

یک «آناشیسیم بالغ»^۱ بود که در آن کشورها خطرات حاد ادامه روابط خصمانه در جهان هسته‌ای را درک کرده بودند و ضمن سیاست‌گذاری امنیتی برای خود، به منافع همسایگان نیز توجه نمایند (طاهری و سیفی، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۳۴).

بنابراین مطالعات امنیتی شاهد بررسی جنبه‌های جدید تهدیدگر امنیت ملی، همچون گسترش دامنه تهدیدات نظامی از بازیگران دولتی تا غیر دولتی، توجه به منابع غیر نظامی امنیت و ورود مفاهیم جدید همچون امنیت مبتنی بر همکاری‌های اقتصادی و منطقه‌ای است (ترن^۲، ۲۰۰۲: ۲۳۷). در این راستا به نظر می‌رسد آن دسته از سیاست‌های امنیتی که صرفاً بر اساس منافع امنیتی خودی طراحی شده باشند هر قدر هم که جذاب و آرمانی باشد، نهایتاً منجر به شکست خواهد شد. مکتب کپنهاک پس از طرح مسأله وابستگی متقابل امنیتی و ناکارآمد بودن سیاست‌های امنیتی خود محورانه، ضمن طرح مشکل موجود، راه‌کار ارائه شده این است که اگر امنیت و منافع هر یک از دولتها به امنیت و منافع همه مربوط شود، پس هیچ چیز را نمی‌توان بدون درک همه فهمید (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۱۳). این ادراکات باعث شکل‌گیری یک وابستگی متقابل قوی امنیتی می‌شود که در آن امنیت یک دولت جدا از امنیت دیگری قابل تعریف نیست (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۸-۳۷). بنابراین، از منظر مکتب کپنهاک، تحلیل دامنه وسیع‌تری از امنیت که شامل بخش‌های سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی است، مهم تلقی می‌شوند. در حوزه امنیت اقتصادی می‌توان عنوان کرد که تهدید اقتصادی، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات در چارچوب امنیت ملی است (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۳-۱۲۸). در این راستا یکی از مسائلی که مستقیماً به امنیت اقتصادی گره خورده است، بحث امنیت انرژی است که با پیشرفت اقتصاد جهانی و افزایش نیاز به منابع انرژی و سوخت‌های فسیلی، انتقال و ترانزیت آن بسیار مهم است. مقابله با چالش‌های احتمالی تهدید امنیت منابع نفت و گاز، خطوط انتقال آن و راه‌های مواصلاتی یکی از ضروریات امنیت اقتصادی است که خود ارتباط تنگاتنگی با امنیت ملی دارد (طباطبایی و فتحی، ۱۳۹۳: ۳۰). بنابراین مجموعه امنیت منطقه‌ای انرژی ترسیم می‌گردد که در اثر تعاملات مرتبط با انرژی به وسیله دو یا چند دولت در یک منطقه جغرافیایی خاص شکل می‌گیرد. هزاران کیلومتر خطوط طولانی لوله نفت و گاز کشورها را به هم متصل می‌کنند که به مانند زنجیری عامل ایجاد وابستگی متقابل در حوزه انرژی هستند (طاهری و سیفی، ۱۳۹۳: ۱۳۶-۱۳۵). در این بین اگر وضعیت ترسیم شده فوق را برای موقعیت راهبردی ایران فرض نماییم، بطوری که ایران در حوزه خلیج فارس محل تأمین و ترانزیت انرژی



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ای برای جهان اسلام

۱۰۴

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

1. Maturity Anarchism
2. Tran

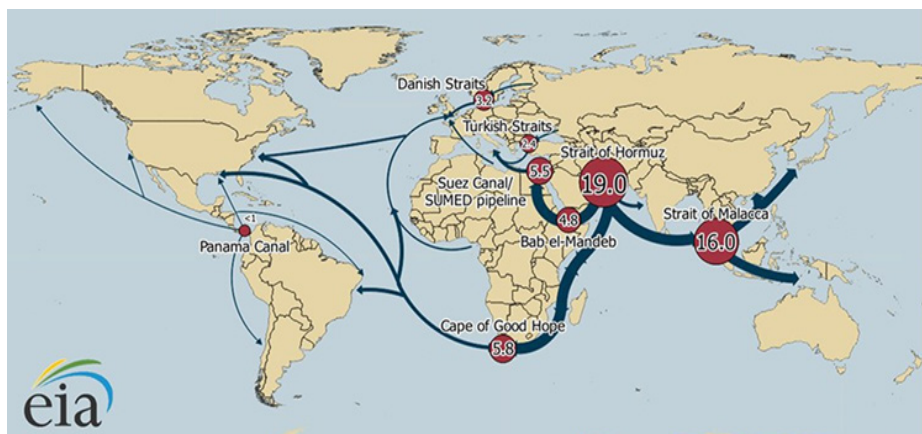
چندین حوزه مهم مصرف کننده باشد، ترانزیت انرژی و نیز عبور لوله های نفت و گاز از مسیر ایران باعث خواهد شد که بین سرنوشت امنیت انرژی و به تبع آن امنیت اقتصادی و سیاسی کشورهای مصرف کننده با موقعیت، امنیت و سرنوشت ایران پیوند عمیق ایجاد شود که در این راستا قابل توجه و بررسی است.

۳- جایگاه ژئوانرژی خلیج فارس

از میان مناطقی که در بخش موسوم به خاورمیانه به عنوان مناطق ژئوپلیتیک مستقل و متمایز شناخته می شوند، خلیج فارس با منابع سرشار از انرژی، مدل یگانه ای از یک منطقه ژئوپلیتیکی، ژئواکونومی و ژئواستراتژی را ارائه می دهد که علاوه بر دسترسی به اقیانوس هند، همزمان قابلیت پیوند با چندین منطقه راهبردی از جمله شبه قاره-هند، آسیای مرکزی، قفقاز و اتحادیه اروپا را دارا می باشد (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۰). از برتری های راهبردی خلیج فارس، تنگه هرمز است که با قرارگیری در مسیر انتقال نفت مورد نیاز غرب، قرار داشتن در حاشیه ریملند و موقعیت پخش بحران به صحنه عملیات اقیانوس هند، ایجاد تسهیلات تدارک نیرو و لجستیک برای نیروی دریایی و نیز مکمل نیروی بزرگ، بسیار حائز اهمیت است (گودرزی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۲). از لحاظ ذخایر راهبردی، براساس آخرین گزارش سالانه شرکت «بریتیش پترولیوم»^۱، موسوم به گزارش «مرور آماری انرژی جهان» در سال ۲۰۲۱، منطقه خلیج فارس دارای ۸۳۰/۲ میلیارد بشکه نفت می باشد. این مقدار برابر ۴۸ درصد کل ذخایر نفت جهان است. از این میزان ذخایر، حدود ۱۵۷/۸ میلیارد بشکه، معادل ۹/۱٪ نفت جهان متعلق به ایران است (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۱: ۱۶). از میان دوازده کشور عضو «سازمان اوپک»، شش کشور آن متعلق به منطقه خلیج فارس است که بیش از ۶۵ درصد از ذخایر نفت اوپک را در اختیار دارند (اوپک^۲، ۲۰۱۹). از منظر ترانزیت انرژی، حدود ۳۵ درصد کل نفت حمل شده توسط نفتکش ها و ۲۰ درصد کل عرضه جهانی نفت از آبراه خلیج فارس و تنگه راهبردی هرمز می گذرد (قنبری، ۱۳۹۷: ۱۰۳). نقشه (۱) اهمیت تنگه هرمز را در مقایسه با هفت تنگه استراتژیک دنیا را نشان می دهد که روزانه بیش از ۱۹ میلیون بشکه نفت خام از این تنگه مهم عبور می کند.



1. British Petroleum (BP)
2. Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC)



(نقشه ۱): موقعیت تنگه هرمز در میان هشت گلوگاه مهم تجارت جهانی نفت.

منبع: (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۶)

در حوزه ذخایر گاز طبیعی نیز، از میزان ۱۸۸/۱ تریلیون متر مکعب کل ذخایر گاز شناخته شده‌ی جهان، ۷۴/۷ تریلیون متر مکعب در منطقه‌ی خلیج فارس واقع شده است. این میزان ۳۹/۸ درصد ذخایر گاز جهان را شامل می‌شود. از این میزان ذخایر، حدود ۳۲/۱ تریلیون متر مکعب، معادل ۱۷/۱٪ گاز جهان متعلق به ایران است (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۱: ۳۴).

۴- جایگاه خلیج فارس در امنیت انرژی حوزه‌های مصرف

۱-۴- شبه قاره هند: هند به عنوان یک قدرت نوظهور اقتصادی، در انتهای سال ۲۰۲۱ از رشد تولید ناخالص داخلی سالانه ۳/۸٪ برخوردار خواهد شد (گزارش بانک جهانی، ۲۰۲۱: ۲۰۷). این کشور چهارمین مصرف کننده انرژی جهان است که حدود ۷۰ درصد از آن، از منطقه خلیج فارس تأمین می‌شود. هند در سال ۲۰۲۰ حدود ۵۹/۶ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی مصرف نموده که از این میزان ۳۵/۸ میلیارد متر مکعب آن از طریق واردات تأمین شده است (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۱: ۴۲-۳۸). هند در چارچوب سیاست «نگاه به غرب» و «نگاه به شمال» که بر دیپلماسی اقتصادی و انرژی متمرکز است به ایران به عنوان شریکی مهم می‌نگرد. یکی از منابع مهمی که می‌تواند تأمین کننده انرژی هند باشد طرح «خط لوله صلح»^۳ جهت انتقال گاز از میداین پارس جنوبی به هند و پاکستان است. البته در



انجمن مطالعات جهان اسلام
جمعیت نرسانت العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۱۰۶

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

1. U.S. Energy Information Administration EIA (2016)
2. British Petroleum (BP)
3. Peace Pipeline: Iran- Pakistan- India Pipeline (IPI)

این بین ترکمنستان نیز با طرح خط لوله موسوم به «تاپی»^۱ (نقشه ۲)، رقیب جدی ایران و خط لوله صلح جهت ترانزیت انرژی به شبه قاره محسوب می شود (کولایی و ایمانی کلهسر، ۱۳۹۵: ۱۳۱). خط لوله صلح علاوه بر این با موانع دیگر از جمله: مخالفت ایالات متحده با طرح مذکور، عدم توافق طرفین بر سر قیمت گاز صادراتی و تنش دیرینه بین هند و پاکستان نیز روبرو است. بنابراین با توجه به موانع موجود بر سر راه طرح خط لوله صلح و نیز تنش های موجود و احتمال مسدود شدن تنگه هرمز و وقفه



(نقشه ۲) طرح خط لوله صلح و تاپی

منبع: (وبسایت فراوری گاز، ۲۰۱۷)

در ترانزیت انرژی، چابهار و سواحل مکران می توانند نقش مکمل یا جایگزین مناسبی برای خلیج فارس در راستای ترانزیت انرژی و حمل و نقل کالا به حساب آید. مشارکت هند در توسعه بندر چابهار و بدنبال آن اتصال به کشورهای «مستقل مشترک المنافع»^۲ از طریق سرزمین ایران صرفه جویی قابل توجهی در هزینه و زمان برای هند نسبت به مسیر اقیانوسی خواهد داشت (پاتنایک^۳، ۲۰۱۶). برای روسیه نیز، علاوه بر تقویت مناسبات خود با ایران و هند، می تواند برای حضور در بازارهای جنوب آسیا، از عبور در قلمرو های تحت تسلط قدرتهای رقیب از جمله اتحادیه اروپا و ایالات متحده تا حدودی زیادی خلاص شود. اهمیت موضوع تا آنجا بود که تأکید بر توسعه بندر چابهار و ضرورت آن، قسمتی از موضوع گفتگوهای دیدار مقام معظم رهبری و ولادیمیر پوتین در آبان ماه ۱۳۹۶ تهران بود (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۱ آبان ۱۳۹۶).

1. Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India Pipeline (TAPI)
2. Commonwealth of Independent States (CIS)
3. Patnaik

۲-۴- نقش خلیج فارس در ترانزیت انرژی حوزه خزر

مهمترین محدودیت کشورهای آسیای مرکزی و حوزه خزر عدم دسترسی به آب‌های آزاد می‌باشد. کشور ایران به دلیل دسترسی به دریاهای آزاد، دارای یک جایگاه ممتاز جهت ترانزیت کالا و انرژی آن حوزه محصور در خشکی است. مسیر ایران علاوه بر قابلیت ترانزیت انرژی آسیای مرکزی به اروپا از مسیر ترکیه، از طریق خلیج فارس نیز می‌تواند با کمترین هزینه، مسافت و زمان، انرژی کشورهای این حوزه را از طریق خط لوله و یا سیستم تهاتر به بازارهای جهانی ترانزیت نماید. از جمله این طرح‌ها می‌توان به خط لوله نکا - جاسک اشاره کرد. این خط لوله، منابع نفتی «کاشاگان»^۱ در قزاقستان را پس از طی مسیر ترکمنستان به نکا در شمال ایران می‌رسد و پس از عبور از نواحی مرکزی ایران به بندر جاسک در سواحل خلیج فارس انتقال می‌دهد (فتحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۹-۱۰۸). در سیستم تهاتر یا «سوآپ»^۲ نیز، تولیدکنندگان حوزه شرق خزر، نفت صادراتی خود را به پایانه بندر نکا تحویل می‌دهند، ایران نفت تحویلی را برای مصارف داخلی به پالایشگاه‌ها انتقال می‌دهد و معادل آن، از منابع نفتی خود در خلیج فارس تحویل می‌دهد. این طرح در سال ۲۰۰۲ شروع شد و در سال ۲۰۰۶ میزان سوآپ نفت قزاقستان به خلیج فارس از طریق ایران به ۱۲۰ هزار بشکه در روز رسید (قنبری، ۱۳۹۷: ۱۶۶). اما متأسفانه در سالهای بعد به علت تحریم‌های آمریکا، افزایش ظرفیت آن تاکنون مقدور نشده است.

۳-۴- چین و انرژی خلیج فارس

به سبب رشد فزاینده اقتصادی، چین بزرگترین واردکننده انرژی در جهان است. بر اساس آخرین گزارش مرور آماری انرژی جهان در جولای ۲۰۲۱، میانگین مصرف روزانه نفت خام چین در سال ۲۰۲۰، بیش از ۱۴ میلیون بشکه در روز بوده است (جدول ۱). نکته قابل توجه، میزان روبه رشد مصرف و همچنین وابستگی به واردات نفت خام چین در مقایسه با ایالات متحده در طول یک دهه اخیر است. به طوری که میانگین واردات روزانه نفت آمریکا به لطف توسعه تکنولوژی تولید «نفت شیل»^۳، از ده میلیون و هفتصد هزار بشکه در سال ۲۰۱۰، به روزانه هفتصد هزار بشکه واردات در سال ۲۰۲۰ کاهش یافته، اما در همین بازه زمانی واردات نفت چین از پنج میلیون سیصد هزار بشکه به ده میلیون و سیصد هزار بشکه در روز افزایش یافته است که عمده‌ی آن از منطقه‌ی خلیج فارس بوده است. در حوزه گاز، چین با مصرف ۶/۳۳۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در سال ۲۰۲۰، پس از آمریکا و روسیه سومین مصرف کننده گاز

1. Kashagan Field
2. Swapp
3. Oil Shale

جهان بوده است (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۱: ۳۸).

جدول (۱) مصرف روزانه نفت خام چین نسبت به ایالات متحده (میلیون بشکه)

سال	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
آمریکا	۱۸۳۲۲	۱۷۹۹۷	۱۷۵۸۶	۱۸۰۱۱	۱۸۱۳۱	۱۸۵۲	۱۸۶۲۲	۱۸۸۷۸	۱۹۴۴۷	۱۹۴۷۵	۱۷۱۷۸
چین	۹۳۹۰	۹۷۳۹	۱۰۱۷۰	۱۰۶۶۸	۱۱۱۲۰	۱۲۰۶۶	۱۲۴۹۹	۱۳۱۳۷	۱۳۵۷۶	۱۴۰۰۵	۱۴۲۲۵

منبع: (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۱)

نیاز فزاینده چین به انرژی خلیج فارس و همچنین وجود تنش‌های موجود در دریای چین جنوبی و مخاطرات «تنگه مالاکا»^۱ و همچنین صرفه جویی در هزینه و زمان، باعث شده این کشور به منظور تأمین امنیت انرژی به مسیرهای متعدد و مطمئن‌تری از جمله مسیر «گوادر»^۲ - «سین کیانگ»^۳ روی آورد. طرح مورد نظر ساخت و توسعه کریدور جنوبی-شمالی برای انتقال انرژی مورد نیاز چین از بندر گوادر پاکستان به استان سین کیانگ در غرب چین و نیز امکان اتصال چین به خط لوله صلح می‌باشد (ویسی، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۰). مهمترین برنامه این کریدور تجاری-اقتصادی؛ توسعه ترانزیت و امنیت انرژی از خلیج فارس به چین است.

۴-۴- خلیج فارس و امنیت انرژی اتحادیه اروپا

از مهمترین اهداف و جهت گیری‌های دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا تدوین «منشور انرژی»^۴ و تنوع بخشی به مبادی و منابع ورودی انرژی به منظور کاهش وابستگی به یک منبع انرژی است. در این راستا، مصرف نفت خام اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۰ حدود ۷۸۸/۱۲ میلیون بشکه در روز بوده که سهم بالایی از این میزان از طریق واردات تأمین شده است. همچنین مصرف گاز طبیعی این اتحادیه در همین سال ۵۴۱/۱ میلیارد مترمکعب بوده است (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۱: ۲۳). با در نظر گرفتن بحران اوکراین، بی‌ثباتی‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه، رهایی از وابستگی به انرژی روسیه، اتحادیه اروپا در راستای استراتژی تنوع و نیز تأمین انرژی، به منطقه خلیج فارس توجه ویژه‌ای معطوف نموده است (نورعلی‌وند و گل محمدی، ۱۳۹۵: ۸). در جهت تنوع بخشی به مبادی مواصلاتی انرژی به اروپا، ایران یک آلترناتیو بالقوه برای تأمین امنیت انرژی اروپا محسوب می‌شود. در این بین ایران می‌تواند البته به شرط تنش‌زدایی بین دوطرف، از طریق دیپلماسی اروپا را مجاب کند که هیچ مسیری از نظر اقتصادی، زیست محیطی

1. Malacca Strait
2. Gwadar
3. Xinjiang province
4. Energy Charter



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های یابی جهان اسلام

و امنیتی، نمی‌تواند جایگزین مسیر ایران باشد. مسئله‌ای که ایران هم از بعد حقوقی و هم دیپلماتیک می‌تواند از آن بهره‌برد؛ مخالفت با انتقال خطوط لوله گاز از ترکمنستان از طریق بستر دریای خزر به سوی ترکیه است (جارشالووا، ۲۰۱۳). بنابراین وجود تنش بین روسیه و اروپا در حوزه انرژی، ناامنی در شمال آفریقا از جمله لیبی به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان انرژی اروپا و کاهش ذخایر فسیلی اعضای این اتحادیه، شرایط را برای ارتقاء جایگاه ژئوانرژی ایران برای تأمین انرژی قاره سبز فراهم نموده است.

۵- یافته‌های پژوهش

۱-۵- دیپلماسی انرژی، توسعه اقتصادی و امنیت ملی

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله (افق ۱۴۰۴)؛ نقش انرژی و امنیت آن به عنوان یکی از اساسی‌ترین پایه‌های توسعه کشور و از مهمترین مهمل‌های پیوند ایران با کشورهای منطقه و فرامنطقه محسوب می‌شود (مهدیان و فخری، ۱۳۹۱: ۵۸). همچنین «سند ملی راهبرد انرژی کشور»، ضمن بررسی چالش‌ها و فرصت‌های بخش انرژی کشور، با نگاه راهبردی به حوزه نفت و گاز آن را به عنوان موتور محرکه توسعه اقتصادی کشور معرفی نموده است (سند ملی راهبرد انرژی مصوب ۱۳۹۵، ۱۷). در این بین با مد نظر قرار دادن موقعیت راهبردی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران و با بررسی و تحلیل یافته‌ها، مهمترین مؤلفه‌های راهبردی ترانزیت انرژی خلیج فارس مؤثر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به این شرح بیان نمود:

در حوزه خلیج فارس و تنگه هرمز، موقعیت جغرافیایی و قرارگیری در ضلع شمالی، قابلیت نظارت بر عبور و مرور نفتکش‌ها و ترانزیت انرژی را در اختیار ایران قرار داده است. همین مسأله باعث شده است که سرنوشت امنیت انرژی سهم عمده‌ای از اقتصادهای بزرگ دنیا به امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز مرتبط شود. این امر سبب ایجاد پیوند بین امنیت ملی ایران با امنیت اقتصادی و سیاسی بسیاری از حوزه‌های مهم مصرف‌کننده انرژی گردیده است. البته باید در نظر داشت، امنیتی کردن بیش از حد متعارف این منطقه (تنگه هرمز)، ضمن اینکه ریسک سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز منطقه را بالا می‌برد، باعث دور زدن آن توسط برخی کشورهای منطقه و خلق مسیرهای جایگزین خواهد گردید. همین امر باعث پایین آمدن وزن ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک آبراه خلیج فارس برای ایران خواهد شد. با توجه به تنش‌های موجود بین ایران و آمریکا و برخی رقبای منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس در صورت اتخاذ



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت ترانس‌الام اسلامی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۱۰

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

استراتژی تمرکز زدایی از تنگه هرمز و آبراه خلیج فارس از سوی ایران و انتقال بخشی از اهمیت کانون این حوزه به سواحل مکران و منطقه چابهار، ایران می تواند میزان آسیب پذیری خود را در شرایط بحرانی کاهش دهد. مزیت این امر آن است که همزمان در میزان آسیب پذیری رقبا به علت محدودیت های ژئوپلیتیکی تغییری ایجاد نمی شود.

در خصوص شبه قاره هند، علی رغم اینکه مواضع و روابط هند با قدرت های بزرگ از جمله ایالات متحده در نظام بین الملل با منافع و دیدگاه های ایران همسو نیست اما در بُعد منطقه ای در بسیاری از بخش ها از جمله رویارویی با افراط گرایی، حمل و نقل، عمران چابهار و کریدور شمال- جنوب^۱ و ترانزیت و امنیت انرژی از جمله احداث خط لوله صلح و یا طرح خط لوله گاز طبیعی ایران- عمان- هند، دارای منافع و دیدگاه های مشترک هستند. در این پیوند گسترش و تجهیز بندر اقیانوسی چابهار با مشارکت و سرمایه گذاری هند، باعث رونق جنوب شرق کشور، ارتقاء سطح ضریب امنیت ملی و جایگاه منطقه ای ایران می گردد. همکاری در بخش اقتصادی و انرژی زمینه های تعامل و تشریک مساعی متعددی نیز در سطوح منطقه ای بین ایران و هند از جمله در حوزه تروریسم به عنوان دشمن مشترک و نیز امنیت در افغانستان فراهم نموده است. در همین میان، با توجه به تصرف کابل توسط گروه طالبان در اوت ۲۰۲۱ و تهدید این جریان تندرو برای آینده منطقه بخصوص برای امنیت ملی ایران و از سوی دیگر نظر به روابط نزدیک آن با پاکستان، در صورت ایجاد هرگونه تهدید، ابتکار ایران و هند می تواند در آن شرایط به عنوان یک اهرم مؤثر، مدار پاکستان- طالبان را دچار چالش نماید.

با توجه به نیاز فزاینده چین به منابع انرژی خلیج فارس و تقویت رویکرد نگاه به سوی مرزهای غربی از طرف آن کشور در قالب ابتکار «یک کمربند- یک راه»^۲ و در ترسیم ارتباط زمینی میان خلیج فارس و آسیای مرکزی؛ ایران از یک سو می تواند به عنوان پل ارتباطی ایفای نقش نموده و اهمیت ذخایر انرژی خلیج فارس را به اهمیت جغرافیایی و کریدور اقتصادی- انرژی آسیای مرکزی- چین پیوند دهد و در این کریدور انرژی، با تقویت خطوط انتقال انرژی آسیای مرکزی به چین، در امنیت انرژی این کشور سهیم شود. و از طرف دیگر امکان اتصال خط لوله صلح به کریدور پاکستان- چین را تقویت نماید. البته در این بین با توجه به سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، بایستی هوشیار بود که اجازه ابتکار عمل یک جانبه به چین در بخش های مختلف از جمله در حوزه چابهار باعث کاهش وزن ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی آن برای هند و در نتیجه تضعیف کارت چابهار برای ایران در مقابل هند خواهد شد. چرا که روابط یک سو به

1. International North-South Transport Corridor (INSTC)
2. Belt and Road Initiative



فصلنامه علمی- پژوهشی
پژوهش های پای جهان اسلام
انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
مجموعه دراست های اسلامی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۱۲

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

باعث تضعیف استقلال منافع و امنیت ملی خواهد شد. همکاری در حوزه ترانزیت انرژی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی از طریق خلیج فارس یا دیگر خطوط می‌تواند باعث تسری آن به بخش‌های دیگر از جمله؛ حمل و نقل و گسترش راه‌گذر شمال- جنوب، مبارزه با افراط‌گرایی و ایجاد فضای امنیت متقابل منجر شود. به نظر می‌رسد با توجه به تعلقات و ارتباطات دیرینه فرهنگی و روابط مطلوب ایران و کشورهای آسیای مرکزی و وجود حوزه‌های گوناگون تعامل و همپوشانی، اعضای آن قلمرو می‌توانند زمینه همکاری و نفوذ بیش از پیش ایران را در منطقه آسیای مرکزی تسهیل نمایند. کشورهای عضو اروپا همواره نگران امنیت انرژی بوده و در این زمینه از وابستگی خود به روسیه ناخشنود هستند. در این بین ظرفیت انرژی ایران و اتصال میدین مهم پارس جنوبی از طریق کریدور ترکیه- بلغارستان و نیز ایران- ارمنستان- اوکراین و از آنجا به اروپا، برای آن اتحادیه قابل توجه است. اما علیرغم ظرفیت فوق، در سالیان اخیر نوع روابط ایران و اتحادیه اروپا تابعی از روابط و شرایط موجود بین ایران و غرب خصوصاً در راستای پرونده هسته‌ای بوده است. در هر مقطعی که فضای مذاکره و همکاری بین طرفین حاکم بوده، شرایط برای گشایش روابط اقتصادی از جمله در حوزه انرژی نیز فراهم شده است. بنابراین به نظر می‌رسد تا زمانی که دورنمای روشنی از روابط ایران و غرب مشاهده نگردد، ایران و اتحادیه اروپا نمی‌توانند شرکای راهبردی در حوزه انرژی باشند. در این میان با توجه به اینکه ایران و اتحادیه اروپا در منطقه خاورمیانه در برخی از حوزه‌ها دارای منافع همسو و ظرفیت‌های مشترکی مانند مقابله با تهدیدات پیش رو از جمله امنیت انرژی، تروریست، پناهجویان، مواد مخدر، بحران‌های زیست محیطی، عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای و... هستند، در صورت تنش‌زدایی و ایجاد روابط هنجارمند بین طرفین زمینه گسترش در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی از جمله ترانزیت انرژی و امنیت منطقه‌ای و حل منازعات موجود فراهم است.

با توجه به تغییر مؤلفه‌های قدرت و امنیت از ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومیک، «باری بوزان» معتقد است که در فضای بوجود آمده بعد از سیستم دو قطبی، آن دسته از سیاست‌های امنیتی که صرفاً بر اساس منافع امنیتی خودی طراحی شده باشند، نهایتاً منجر به شکست خواهد شد. او پس از طرح مسأله وابستگی متقابل امنیتی، معتقد است که اگر امنیت هر یک از دولتها به امنیت همه مربوط شود، پس هیچ چیز را نمی‌توان بدون درک همه فهمید و ضمن سیاست‌گذاری امنیتی برای خود، به منافع همسایگان نیز توجه نمایند (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۱۳). در این راستا اگر وضعیت ترسیم شده فوق را برای موقعیت راهبردی

ایران فرض نماییم؛ به هر میزان که ایران منشأ و یا محل عبور خطوط انرژی باشد و در تأمین امنیت انرژی حوزه‌های مصرف سهم داشته باشد، به همان میزان حساسیت و خطرپذیری حوزه‌های مصرف نسبت به ایران ارتقاء می‌یابد. بدون شک این امر به همان اندازه در افزایش ضریب امنیت ملی ایران نیز ارتباط تنگاتنگ و رابطه‌ی مستقیمی دارد. بالعکس، در صورتی که ایران از هژمون خطوط انتقال انرژی دور شود و یا بوسیله رقبای منطقه‌ای کنار گذاشته شود، به همان اندازه میزان آسیب‌پذیری منافع ملی افزایش یافته که این امر مستقیماً بر روی امنیت ملی نیز تأثیرگذار خواهد بود.

۶- موانع، فرصت‌ها و رویکرد پیش‌روی

در پویش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ادوار گذشته رویکردی تقابلی نسبت به نظام بین‌الملل حاکم بوده. به طوری که بیشتر بر مؤلفه‌های ژئوپلیتیک ایدئولوژیک و مقابله با وضع موجود پرداخته است. این رویکرد در راستای تأمین منافع و امنیت ملی از طریق ژئوپلیتیک انرژی کشور نبوده و حتی باعث شده بسیاری از موقعیت‌های ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک که ژئوپلیتیک انرژی در اختیار کشور قرار داده، در ابعاد منطقه‌ای و جهانی از دست رود (آسایش زارچی، ۱۳۸۳: ۱۸۸). در این راستا مهمترین چالش برای همکاری و ترانزیت انرژی حوزه خلیج فارس در سالیان اخیر، وجود تنش بین ایران و عربستان با دو ایدئولوژی متفاوت بوده که برآیند حاصل از این تضاد در منطقه خلیج فارس علاوه بر ایجاد بحران در روابط دیپلماتیک، تلاش برای گسترش حوزه نفوذ و جنگ‌های نیابتی، باعث تهدید تولید و ترانزیت انرژی نیز شده است. بنابراین رویکرد تقابلی منجر به تحریم‌های اقتصادی و کاهش شرکای اقتصادی شده که این امر کاهش قدرت اقتصادی، تنزل وزن ژئوپلیتیکی و آسیب‌پذیری امنیت ملی را نیز فراهم ساخته است. از دیگر موانع منطقه‌ای در راه ترانزیت انرژی ایران، می‌توان از هم‌سویی کشور آذربایجان با دیدگاه غرب، و حذف ایران از پروژه قرن ۱۹۹۴ آذربایجان نام برد که در آن باکو نقشی را در سیاست خطوط لوله بازی کرد که مورد حمایت آمریکا برای حذف ایران از مسیرهای خطوط انتقال انرژی بود است (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۵). در این راستا رژیم صهیونیستی هم با ایجاد روابط با همسایگان ایران از جمله آذربایجان، قطر ترکیه و روسیه، اقدام به انعقاد قراردادهای خرید نفت و «ال ان جی»^۱ نموده و با گره زدن منافع خود با کشورهای پیرامون ایران، قصد محدود نمودن عمق ژئوپلیتیک ایران داشته و از سوی دیگر نیز در سطح نظام بین‌الملل با استفاده از ظرفیت روابط خود با غرب، به برنامه ایران هراسی دامن زده



1. Liquefied Natural Gas (LNG)



و در مسیر پرونده هسته‌ای ایران که منجر به تحریم‌های مخربی گردیده، موانع متعدد ایجاد نموده است. در بُعد فرمانطقه‌ای، اصرار بر رویکرد تقابل، تهدیدات عمده‌ای برای امنیت ملی ایجاد نموده. بطوری که؛ آمریکا با آگاهی از این واقعیت به دنبال کاهش نقش ایران در امنیت انرژی و انزوای ژئوپلیتیک ایران می‌باشد. از دید دولتمردان ایالات متحده، پتانسیل ژئواکونومیک ایران در مرکز بیضی استراتژی انرژی، امکان بازی نقش اصلی در ژئوپلیتیک جهانی قرن بیست و یکم را پیش‌روی آن قرار می‌دهد و باید این نقش کم‌رنگ شود تا امنیت منطقه‌ای و جهانی مورد نظر آمریکا حفظ شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۰۱). روسیه نیز؛ طی سالیان اخیر از یک سو سرگرم شدن ایران در بحران‌های منطقه‌ای را تشویق، و از طرفی در حوزه انرژی نسبت به ایران به عنوان یک رقیب بالقوه نگریسته است. روسیه در عین حال که با جمهوری اسلامی دارای مناسبات نزدیکی است، اما هدف اصلی آن از انعقاد قراردادهای نفت و گاز با ایران، دور نگه داشتن این کشور از آمریکا و اتحادیه اروپا بوده است (کریمی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۴).

با مد نظر قرار دادن موارد فوق و با توجه به اینکه ایران در دوسه دهه‌ی اخیر از سوی جامعه بین‌الملل خصوصاً آمریکا به عنوان یک تهدید معرفی شده است و در این راه هزینه‌های هنگفت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوان متحمل شده است، ضروریست دولتمردان ایران با اتخاذ دیپلماسی منعطف ضمن حل و فصل مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای و دیگر موضوعات تنش‌زا با غرب، کشور را از شرایط بحرانی خارج و با تأکید بر منافع مشترک، زمینه حضور فعال و مؤثر در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم نماید. در بُعد منطقه‌ای نیز؛ در صورت تغییر رویکرد از ایدئولوژی حاکم بر منطقه به سمت ژئواکونومی توسط دولتمردان این حوزه است که می‌توان فضای حاکم بر منطقه را به سمت توسعه و همکاری متقابل منطقه‌ای سوق داد. در تعریف چارچوب فوق؛ توسعه صنعت نفت و گاز، ترانزیت انرژی، بحران‌های زیستی، کوشش جمعی برای حل بحران‌های منطقه‌ای-ای جهان اسلام از جمله یمن، سوریه و به طور کلی توسعه منطقه‌ای پیرامون محور انرژی، معنا پیدا خواهد کرد. مجموعه اقدامات یاد شده برای استفاده از انرژی در راستای ارتقاء امنیت ملی کشور، در گرو اتخاذ یک رویکرد تعاملی با نظام بین‌الملل است. بنابراین اگر ایران خواهان پیشرفت، توسعه و امنیت ملی پایدار است، ضمن جلب اعتماد دیگر بازیگران در نظام بین‌الملل، تغییر رویکرد به سمت استفاده از ظرفیت‌های خدادادی و شگفت‌انگیز ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود، امری ضروری و حیاتی است.

نتیجه‌گیری

افزایش نقش انرژی و دغدغه امنیت آن برای استمرار حرکت موتور رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت، باعث توجه بیش از پیش به کانون‌های تأمین انرژی شده است. در این میان با توجه به جایگاه برتر ایران در بیضی استراتژی انرژی و با بررسی پتانسیل ترانزیت انرژی خلیج فارس به حوزه‌های مصرف، تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با بهره‌گیری از دیدگاه «مکتب کپنهاگ» (مجموعه امنیت منطقه‌ای) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

منطقه خلیج فارس علی‌رغم داشتن ظرفیت‌های عظیم برای همکاری اما وجود تنش‌های ژئوپلیتیک و ایدئولوژی سالیان اخیر بین ایران و عربستان علاوه بر قطع روابط دیپلماتیک و جنگ‌های نیابتی در خاورمیانه عربی، باعث تهدید تولید و ترانزیت انرژی نیز شده است. اما در راستای تنش‌زدایی، ثبات و توسعه منطقه، مطلوب است نوع نگاه و سطح تصمیم‌گیری دولتمردان منطقه بر روی همکاری‌های منطقه‌ای از جمله مباحث مهم ژئواکونومیک ترسیم گردد و با تأکید بر مباحث اشتراکی، به رسمیت شناختن حوزه‌ی نفوذ یکدیگر و تفاهم درباره منافع منطقه‌ای، زمینه را برای رفع تنش‌های موجود فراهم نمایند. این امر ضمن فراهم نمودن امنیت منطقه‌ای، منجر به افزایش سطح رفاه و امنیت ملی دولت‌های منطقه نیز خواهد گردید.

در حوزه شبه قاره هند اگر چه در سطح نظام بین‌الملل روابط ایران و هند تحت تأثیر روابط هند با آمریکا می‌باشد، اما زمینه‌های گوناگون همکاری متعدد در سطح منطقه وجود دارد که می‌تواند بین دو طرف منافع همسو ایجاد نماید. همکاری در بخش‌های اقتصادی و انرژی زمینه‌های تعامل و همکاری منطقه‌ای بین ایران و هند از جمله در حوزه تروریسم به عنوان دشمن مشترک، توسعه بندر اقیانوسی چابهار و نیز امنیت در افغانستان به عنوان یک نقطه ثقل و واحد، فراهم نموده است. توسعه بندر چابهار باعث توسعه پایدار جنوب شرق کشور، افزایش بهم‌پیوستگی بیشتر این مناطق با دولت مرکزی، افزایش وزن منطقه‌ای ایران و نهایتاً ارتقاء سطح امنیت ملی می‌گردد. ایران می‌تواند برای چین نیز در درازمدت شریک قابل اطمینانی در حوزه‌های مختلف از جمله امنیت انرژی باشد. تعامل در حوزه انرژی می‌تواند زمینه همکاری‌های امنیتی و نظامی در سطح منطقه و همسویی در نظام بین‌الملل بین دو کشور را بیش از پیش تقویت نماید. همچنین در راستای تعمیق روابط دو جانبه، ایران بایستی بتواند نسبت به سرمایه‌گذاری متقابل شرکت‌های نفت و گاز خود در بخش پالایشگاهی و بازار انرژی چین اقدام کند. همین استراتژی در دستور کار شرکت‌های نفتی عربستان قرار گرفته است. ریاض سعی دارد ضمن تأمین بخش عمده‌ای



از انرژی چین و سرمایه‌گذاری در صنعت پالایشگاهی این کشور، وابستگی چین را از بخش انرژی ایران محدود نماید تا علاوه بر تأثیرگذاری بر روی درآمد حاصل از فروش نفت و گاز ایران، از یک رابطه راهبردی بین آن دو جلوگیری نماید. در راستای ترانزیت انرژی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی از طریق ایران و خلیج فارس؛ این امر باعث احساس تعهد این کشورها نسبت به ایران و نیز ایجاد فضای همکاری در حوزه‌های دیگر از جمله؛ حمل و نقل و توسعه کریدور شمال- جنوب، مبارزه با افراط‌گرایی و محدود نمودن دامنه نفوذ نیروها و کشورهای بیگانه گردد. ایران و اتحادیه اروپا نیز در برخی از حوزه‌ها دارای منافع همسو هستند و در صورت تنش‌زدایی و ایجاد روابط قاعده‌مند بین دو طرف زمینه گسترش در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی از جمله ترانزیت انرژی و امنیت متقابل فراهم است. همکاری در زمینه اقتصادی و انرژی می‌تواند به دیگر حوزه‌ها از جمله امنیت منطقه‌ای و حل منازعات موجود، بحران پناهندگان، مبارزه با تروریسم و مواد مخدر تسری یابد.

با توجه به اینکه استفاده از موقعیت ایران در ادوار گذشته جزو اولویت‌های اولیه و یا حتی ثانویه سیاست‌های بالادستی دولتمردان نبوده، لذا ضروریست که استفاده از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئوانرژی ایران در اولویت فوری و در ردیف امنیت و استقلال کشور تعریف گردد چرا که این ظرفیت استثنایی با منافع و امنیت ملی ایران رابطه‌ی مستقیمی دارد. بطوری که با اتخاذ یک راهبرد معقول و اقتصادی محور به ژئوپلیتیک انرژی، ضمن جذب سرمایه‌گذاری در صنایع فرسوده نفت و گاز، می‌توان موانع سر راه ایران برای عرضه انرژی به بازارهای مصرف را برطرف نماید. در صورت تحقق این امر بین امنیت انرژی، منافع و امنیت ملی این کشورها با منافع و امنیت ملی ایران پیوند ایجاد می‌شود. از نگاه ژئواکونومیک نیز، استفاده از ظرفیت ژئوانرژی کشور باعث افزایش ثروت و قدرت ملی خواهد شد که همین عامل می‌تواند باعث ارتقاء سطح امنیت ملی ایران شود.

پیشنهادهات: - از منظر اهمیت ترانزیت انرژی از طریق خطوط لوله و تشکیل زیرساختها و بستر آن در کشورهای مصرف کننده و پیوند آن با کشورهای تولید کننده، قاعدتاً تحریم این نوع سازوکار نسبت به طرق دیگر انتقال انرژی همچون حمل با کشتی و غیره.. برای تحریم کننده سخت‌تر و مقاومت مصرف کننده و تولید کننده نیز بیشتر است. لذا می‌طلبد که دستگاه سیاست خارجی و وزارت نفت در راهبرد میان مدت و بلند مدت خود، بیش از پیش نسبت به تقویت دیپلماسی خطوط لوله اهتمام نمایند.

- با توجه به افزایش سهم «گاز مایع» در سبد مصرف انرژی کشورها و نیز سهولت حمل و انتقال آن به نقاط دوردست، در این راستا ضروریست که تصمیم‌گیران حوزه انرژی ایران جهت گرفتن سهم خود از

بازارهای نوظهور این محصول، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مدون و دقیقی انجام دهند.

- وجود تنش‌های موجود در منطقه و احتمال درگیری و تبعات ناشی از آن مانند مسدود شدن تنگه هرمز، با توجه به اینکه کشورهای رقیب ایران از جمله عربستان و امارات متحده عربی، از طریق خطوط لوله اقدام به چندگانه نمودن مجاری ترانزیت انرژی خارج از محدوده تنگه هرمز نموده‌اند، توسعه سواحل مکران و گسترش بندر چابهار به عنوان مناطقی که فاصله مناسبی با منطقه بحران دارند، به عنوان نقش مکمل و جایگزینی مناسب برای خلیج فارس جهت ترانزیت انرژی و کالا، از سوی دولتمردان ایران ضروری به نظر می‌رسد.

- شرایط تنش‌زا بین ایران و غرب باعث شده نه تنها جمهوری اسلامی ایران با کشورهای صاحب تکنولوژی غرب از سطح روابط مناسبی برخوردار نباشد، بلکه حتی با کشورهای همسو مانند چین و روسیه هم از یک رابطه قاعده‌مند بی‌بهره است بطوری که این دو کشور هم به ندرت در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند. بر این اساس اولویت دادن صرف به برقراری روابط با چین و روسیه به سود منافع ملی نبوده و در این میان ترسیم روابط متوازن در ارتباط با شرق و غرب، می‌تواند منافع ملی و منطقه‌ای ایران را بهتر تأمین نماید.



-منابع: الف: فارسی:

- کتاب:

- بوزان، باری (۱۳۹۰) مردم دولتها و هراس، جلد اول (ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی)، چاپ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، ویور، الی و جاپ دیویلد (۱۳۸۶) چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، جلد اول (ترجمه علیرضا طیب)، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ-نیا، محدرضا، کاویانی-راد، مراد (۱۳۹۳) فلسفه جغرافیای سیاسی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قنبری، لقمان (۱۳۹۷) ژئواکونومی، امنیت انرژی و دیپلماسی انرژی، جلد اول، چاپ اول تهران، آوا.

- مقالات:

- آسایش زارچی، محمدجواد (۱۳۸۳) «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال همسایگان»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۰۳ و ۲۰۴، پاییز، ص-ص ۱۲۷-۱۱۴.
- اسماعیل-زاده امامقلی، یاسر، احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۹۵) «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست پژوهی، سال اول، شماره ۱، زمستان، ص-ص ۱۴۱-۱۲۳.
- افضلی، رسول، ذکی، یاشار و محمد حسین دشتی (۱۳۹۷) «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، ش ۲، تابستان، ص-ص ۱۴۲-۱۲۱.
- ساعی، احمد، پاشنگ، مریم (۱۳۹۵) «ضرورت نگاه فراملی به امنیت انرژی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و پنجم، ش ۸۰، پاییز، ص-ص ۲۵۳-۲۳۳.
- صادقی، اکبر، دهقانی - فیروزآبادی، سیدجلال، و هادی آجیلی (۱۳۹۷) «بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، ش ۴۳، پاییز، ص-ص ۷۳-۱۰۵.
- طاهری، ابوالقاسم و عبدالمجید سیفی (۱۳۹۳) «امنیت انرژی و نظریه مجموعه امنیت منطقه ای»، فصلنامه سیاست پژوهی، سال اول، شماره ۱، زمستان، ص-ص ۱۵۱-۱۲۹.
- طباطبایی، محمد جواد و سید محمد فتحی (۱۳۹۳) «تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد بر اساس مکتب کپنهاگ»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره پنجم، شماره ۱۷، زمستان، ص-ص ۴۲-۶.
- فتحی، محمدجواد، آصفی، حمیدرضا و ابوذر نظریان (۱۳۹۵) «تأثیر ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک خط لوله نکا-جاسک بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان، ص-ص ۱۲۸-۱۰۳.
- قالیباف، محمدباقر، یعقوبی، سیدمحمد، و محمودی، ابوالقاسم (پاییز ۱۳۹۳) «تبیین ژئوپلیتیکی سیاست خارجی ایران در منطقه خلیج فارس مبتنی بر انرژی‌های فسیلی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال-دهم، ش ۳، ص-ص ۷۵-



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیت نرسانت العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۱۸

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

- کریمی-پور، داود، نیاکوئی، سید امیر و سیمبر، رضا (پاییز ۱۳۹۶) «نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه و قطر». فصلنامه پژوهش-های راهبردی سیاست، ش ۲۲، ص-ص ۲۰۵-۱۷۵.
- کوزه-گر کالجی، ولی (۱۳۹۵/۱۲/۲۸) «تمامی دلایل روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل به ایران مرتبط نمی-شود» خبر آنلاین/بین-الملل، ساعت ۱۶:۱۲، قابل دسترسی در <https://www.khabaronline.ir/news/۶۴۶۶۲۳/>
- کولایی، الهه و محمود ایمانی کله سر (۱۳۹۵) «سیاست انرژی هند در منطقه دریای خزر؛ مروری انتقادی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان، ص-ص ۱۳۶-۱۱۳.
- گودرزی، -مهناز-، محمدزاده-ابراهیمی، فرزاد- (۱۳۹۶) «جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک تنگه هرمز در سیاست منطقه-ای ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۶، شماره ۳، پاییز، ص-ص ۱۲۴-۱۰۳.
- مجتهدزاده، پیروز (بهمن ۱۳۸۶) «ایران و امنیت آسیای غربی؛ آیا هارتلند جدید از خلیج-فارس تا دریای خزر گسترش می-یابد»، نگرش راهبردی (ویژه-نامه سند چشم انداز راهبرد منطقه-گرایی)، ش ۸۷، ص-ص ۱۱۲-۸۹.
- مهدیان، حسین، فخری، سیروس (۱۳۹۱) «ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی غرب»، فصلنامه پژوهشهای جغرافیای انسانی، دوره ۴۴، شماره ۴، زمستان، ص-ص ۶۴-۴۵.
- نورعلی-وند، یاسر، گل-محمدی، ولی (۱۳۹۵) «ایران و مسیر گاز جنوبی به اروپا»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۴، زمستان، ص-ص ۳۶-۷.
- ویسی، هادی (۱۳۹۸) «رقابت-های ژئوپلیتیکی ایران و عربستان سعودی و ضرورت گذار از ژئوپلیتیک ایدئولوژی به ژئواکونومی در منطقه خلیج-فارس»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول، بهار، ص-ص ۲۴۰-۲۱۹.
- ویسی، هادی (۱۳۹۶) «بررسی رقابتهای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک پاکستان و ایران در ایجاد کریدور شمالی- جنوبی اوراسیا؛ مزیتها و تهدیدها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۳، شماره ۱، بهار، ص-ص ۱۲۴-۱۰۱.

-سایر:

- شورای عالی انرژی (مصوب ۲۳ فروردین ۱۳۹۵) «سند ملی راهبرد انرژی کشور».
- روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۵ آبان ۱۳۹۶، در <https://donya-e-eqtesad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%AE%D8%A8%D8%B1-64/3308675->

ب- منابع لاتین:

- Dyer, Hugh, Trombettaand Maria Julia (2013).International of Energy Security, London, Edward Elgar Publications.
- Gamava, Yusuf Ibrahim (2017), Iran and Energy Sucrity in the Persian Gulf Region, VOL.3, NO5, PP 41-88



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه دراستد اقلام الاسلامی
پژوهشهای یای جهان اسلام

- Jarchalova, Narmin: 2013. Turkey's Energy Policy towards Becoming an Energy Hub: Internal and Externan Challenges, available at: [http:// researchturkey. Org/turkeys-energy – policy- towards- becoming-an- energy –hub- internal- external-challenges/](http://researchturkey.Org/turkeys-energy-policy-towards-becoming-an-energy-hub-internal-external-challenges/).
- Nasirpour, Golamreza (2019). Iran-India Relations with Future Prospects, International Quarterly of Geopolitics, Vol. 14, No. 4, Winter, (PP.187-165), [In Persian].
- Patnaik, A.(2016), Central Asia: Geopolitics, security and stability, Routledge
- Tran, Elizabeth (2002), Security of personal data across national borders, first published , Seattle, Washington: Central Wasington University
- www. Energy Information Administration.com
- <https://www.bp.com/content/dam/bp/business-sites/en/global/corporate/pdfs/energy-economics/statistical-review/bp-stats-review-2021-full-report.pdf>
- https://www.opec.org/opec_web/en/publications/202.htm
- <https://cia.gov/international/analysis> (2016)
- [http://www.gasprocessingnews.com/features/201710/manage-risks-for-trans-country-pipeline- projects-india-case-study%E2%80%94part-2.aspx](http://www.gasprocessingnews.com/features/201710/manage-risks-for-trans-country-pipeline-projects-india-case-study%E2%80%94part-2.aspx)
- <https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/36317/9781464817977.pdf>



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۲۰

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۴۰۵

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

نوروزی زاده، فتح‌اله؛ گودرزی، مهناز (۱۴۰۰)، «بررسی نقش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ترانزیت انرژی (نفت و گاز) خلیج فارس بر امنیت ملی ایران» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۴، زمستان ۱۴۰۰، صص ۹۹-۱۲۰.